



سرمدبیر e.zolghadr@yahoo.com

توسعه صنعت بیمه،

زمینه ساز توسعه اقتصادی و امنیت سرمایه گذاری

سال ۱۳۷۸ سهم حق بیمه در GDP، ۳۹ درصد بود و در سال ۱۳۸۴ این رقم به ۱/۲ درصد رسید.

افزایش سهم بیمه در تولید ناخالص داخلی زمانی اتفاق می افتد که این صنعت بتواند در تمام حوزه های اقتصادی و فعالیت های خدماتی، نقش ایفا کند. در صورتی که صنعت بیمه در کشور ما، تا چهار سال پیش فقط به چهار شرکت بیمه دولتی محدود بود و تمام مانور و فعالیت این شرکتها هم در چارچوب بخش دولتی خلاصه می شد و تکلیف بخش دولتی هم که معلوم است.

بنابراین، برای اینکه صنعت بیمه بتواند نقش واقعی خود را در نظام اقتصادی ایران ایفا کند و به رشد و شکوفایی دست یابد، پیش زمینه هایی باید فراهم شود و بخشی از راهکارهای فراهم شدن این زمینه ها، موارد زیر می تواند باشد:

۱- صنعت بیمه در ایران، دولتی است و در چنبره ناکارآمدی دولت، هیچ انتظار رشد و شکوفایی از این صنعت نمی رود. همانگونه که از بخش های دولتی دیگر، مانند نظام بانکی، بخش تولید، سرمایه گذاری و غیره انتظار نمی رود.

بنابراین تا زمانی که سیطره دولت را بر این صنعت شاهد باشیم، اوضاع به همین منوال خواهد بود. مگر آنکه در سیاست های دولت تجدید نظر شود. هر چند با ابلاغ بندج اصل ۴۴ قانون اساسی، توسط مقام معظم رهبری، روزه هایی از امید به آزادسازی در این بخش دیده می شود. ولی مطمئنا تا محقق شدن این هدف، مسیر بسیار طولانی در پیش است و شرایط چندان هم مهیا نیست. زیرا واگذاری به بخش خصوصی باید از طریق بورس انجام شود و با اوضاعی که از نظر مالی و عملکردی، این شرکتها دارند، ورودشان به بورس سالها زمان خواهد برد. بخش دولتی تا زمانی که قرار نباشد در منصفه عمومی ظاهر شود، توانمندی، عملکرد و کارنامه اش مشخص نیست و همین که می خواهد وارد عرصه فعالیت شفاف، مانند بورس بشود، تازه زیان دهی، ورشکستگی و کارنامه منفی عملکردش مشخص می گردد. یکی از این شرکتها بیمه دولتی، که قرار است به بخش خصوصی واگذار شود، اگر پشتوانه دولتی نداشت سالها پیش باید اعلام ورشکستگی می کرد. شاید این شرکت را جز فسادآمیزترین و بدهکارترین شرکت های دولتی بتوان محسوب کرد. لذا واگذاری امثال این شرکت به بخش خصوصی و ورودش به بورس، زمان بسیاری خواهد برد و مطمئنا همین روند فعلی ادامه خواهد داشت.

اواخر اذرماه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، گزارشی را منتشر کرد و در آن از دولت خواست تا هر چه سریعتر، بیمه های دولتی به بخش خصوصی واگذار شوند. در این گزارش آمده بود: با توجه به عملکرد مناسب شرکت های بیمه خصوصی، در طول برنامه سوم توسعه، بهتر است روند خصوصی سازی

بیمه یکی از ابتکاری ترین فعالیت خدماتی، در نظام اقتصادی نوین به شمار می رود و در توسعه اقتصادی جوامع، نقش موثر و تعیین کننده ای دارد. تمام کشورهایی که می توان صفت "توسعه یافته" را در مورد آنها به کار برد، از یک نظام بیمه ای کارآمد، نوآور و پویا برخوردارند.

توسعه اقتصادی، مستلزم سرمایه گذاری در تمام حوزه های اقتصادی، به خصوص بخش تولید است. رونق و شکوفایی بخش تولید، فرصت های شغلی را ایجاد می کند و زمینه اشتغال را فراهم می آورد. مازاد تولید از طریق صادرات، وارد بازارهای جهانی می شود و ارزش حاصل از آن، در دیگر پروژه های اقتصادی سرمایه گذاری می شود، سرعت گردش پول شتاب می گیرد، واحدهای خدماتی برای پشتیبانی محصولات تولیدی، تشکیل می گردند، ضرورت ابداع و نوآوری در بخش تولید، زمینه های ارتقاء کیفیت آموزش و افزایش توان علمی و پژوهشی را فراهم می کند و امکان صدور خدمات فنی و مهندسی به کشورهای مختلف بوجود می آید.

در شکل گیری و تحقق عملی بخش بخش این فرآیند، صنعت بیمه نقش موثر و مهمی را ایفا می کند. در گام به گام این فرآیند، از سرمایه گذاری تا صدور خدمات، از تولید تا صادرات، ریسک های پر خطری وجود دارند که بدون اطمینان از پوشش آنها، امکان سرمایه گذاری و گسترش فعالیت غیر ممکن است. بیمه در تضمین سرمایه گذاری، کاهش ریسک و ایجاد فضای مناسب و مطمئن برای فعالیت های اقتصادی، نقش بسزایی دارد و به سرمایه ها اعتبار می بخشد. با وجود آنکه بیش از هشتاد سال از ظهور صنعت بیمه در ایران می گذرد، ولی به اندازه قدمت زمانی، نتوانسته جایگاه واقعی خود را در نظام اقتصادی بدست آورد. هنوز شناخت درست از صنعت بیمه در جامعه ما وجود ندارد و این شناخت حتی در بین فعالان اقتصادی نیز، کامل نیست. بسیاری از مردم، بیمه را فقط در بیمه های درمانی، بیمه شخص ثالث یا دفترچه های تامین اجتماعی خلاصه می کنند و همچنان جایگاه بیمه برای جامعه ناشناخته مانده است.

این درحالی است که، در بسیاری از کشورها، یک پای همیشه ثابت در فعالیتهای اقتصادی، بیمه است و خود این صنعت نیز، از جمله سرمایه گذاران عمده در بخشهای مختلف اقتصادی به شمار می رود که، منجر به تولید سرمایه و افزایش ثروت ملی می گردد.

سهم حق بیمه تولید شده، در تولید ناخالص داخلی، یکی از شاخص های میزان فعالیت صنعت بیمه و میزان نقش آن، در فعالیت های اقتصادی است. این سهم در کشورهای توسعه یافته، بسیار بالاست. ولی در ایران بیمه در تولید ناخالص داخلی سهم ناچیزی دارد و کمتر از یک درصد می باشد. بطوری که در

انتظار می رود به همه جنبه های اقتصاد آگاه باشد، در سمینار سالانه بیمه، با دادن آماری که اصالت آن مورد تشکیک است، گفت؛ ۹ میلیون نفر در کشور تحت پوشش هیچ بیمه ای نیستند. او از شرکتهای بیمه خواست تا در پوشش دادن این اقشار تلاش کنند.

البته نیک واضح است، آنچه که دانش جعفری بر آن تاکید داشت، در حیطه وظایف شرکتهای بیمه نیست. این وظیفه، از جمله وظایف لاینفک دولت است که باید رفاه اجتماعی را برای افراد جامعه در قالب بیمه های درمان، تامین آتیه و یا بیمه بیکاری فراهم کند.

گذشتن بار مسئولیتی که بر عهده دولت عدالت پرور و مهرورز می باشد، بر روی شانه های صنعت بیمه، شبیه همان اشتباهی است که دولتها، سالهای متمادی، بانکها را گاو صندوق هیات تلقی می کنند و علاوه بر تحمیل تسهیلات تکلیفی، دستور پرداخت اعتبارات پرریسک و بدون بازگشت و گاهی بلاعوض را صادر می کنند، تا جایی که امروز دولت به بزرگترین بدهکار به نظام بانکی کشور، تبدیل شده است.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، شاهی عربلو، هم در این سمینار، از بیمه ها می خواست که برای ورود به بخش بیمه های خرد، چشم شان را به سود و زیان ببندند و نباید سودهای کلان ببرند، بلکه باید قطره ای سود ببرند. چون این سودها فرهنگ را خراب می کند!!

این مهم را باید مدنظر داشت که، شرکت های بیمه ای، بنگاههای اقتصادی هستند و نه موسسه های خیریه و یا سازمان بهزیستی و یا تامین اجتماعی. پوشش بیمه ای اقشار آسیب پذیر، از جمله وظایف اصلی دولت است. زیرا این دولت است که مالک درآمدهای میلیاردی دلاری از منابع نفت و سایر منابع کشور است، نه شرکت های بیمه ای و یا سایر بنگاهها.

۵- یکی از اصول مهم بیمه، عمل به تعهدات است. برای همین منظور شرکت های بیمه نمی توانند بیش از معادل ۲۰ درصد سرمایه، تعهد بیمه ای ایجاد کنند. لذا فقط ریسک های معادل زیر ۲۰ درصد سرمایه شان را باید پوشش دهند، چون امکان اینکه سرمایه خود را در پوشش ریسک های بالاتر، از دست بدهند، وجود دارد.

الان با توجه به پائین آمدن نرخ سود بانکی در ایران و افزایش بی رویه تورم، ورود شرکت های بیمه های به شاخه بیمه عمر، آنها را در بلند مدت دچار مشکل می کند. زیرا ایفای تعهد در چند سال آینده، نمی تواند همگام با خیز بلند تورم باشد. لذا بیمه ها در این حوزه، چندان علاقه ورود ندارند و در حالی است که، حدود ۵۷ درصد از درآمدهای شرکت های بیمه در دنیا، از این شاخه است. در ایران این رقم کمتر از ۶ درصد می باشد.

بنابراین، شرکت های بیمه باید برای تجهیز منابع خود، از طریق سرمایه گذاری اقدام کنند. سودهای حاصل از این سرمایه گذاری، سبب می شود تا بیمه بتواند علی رغم فشارهای تورمی، به تعهدات خود عمل نماید. ولی متأسفانه روند سرمایه گذاری شرکت های بیمه در سال گذشته نزولی بوده، بطوری که بازده مجموع سرمایه گذاری صنعت بیمه در سال ۸۴، معادل ۸ درصد بود که نسبت به سال ۸۳، دو واحد کاهش داشته است.

در اهمیت این صنعت همین کفایت که اگر استراتژی توسعه اقتصادی در ایران، بدون حضور برنامه های توسعه صنعت بیمه، تدوین و پیگیری شود، منجر به شکست است و هرگز جامه عمل نخواهد پوشید.

شرکت های بیمه دولتی با سرعت بیشتری پیگیری شود. بنابراین یکی از راههای افزایش کارآمدی صنعت بیمه، کمک به خصوصی شدن آن و تقویت شرکت های بیمه خصوصی، است.

تقویت بخش خصوصی صنعت بیمه و خصوصی کردن شرکت های بیمه دولتی، شاه کلید توسعه این صنعت محسوب می گردد.

۲- صنعت بیمه در ایران، همانند بسیاری از بخش های دیگر، فاقد استراتژی و برنامه بلند مدت است. هرچند در زمان ریاست همتی بر بیمه مرکزی، برنامه پنج ساله استراتژی توسعه این صنعت، در قالب ۱۲ هدف و سه خط مشی اساسی، تدوین شد. اما، همانند طرح اصلاحات راهبردی بانکها، که توسط مظاهری در وزارت اقتصاد مطرح گردیده بود، به دست فراموشی سپرده شد.

در این استراتژی بر سه اصل؛ ترویج فرهنگ بیمه در جامعه، بازنگری در ساختار فعلی صنعت بیمه و ایجاد زمینه های رقابت بیشتر بین موسسه های بیمه ای، تاکید شده بود. در حقیقت، فقدان استراتژی، این صنعت را از افق های روشن رشد و توسعه محروم می کند.

بنابراین با توجه به نزدیکی زمان واگذاری شرکت های بیمه دولتی و توسعه شرکت های بیمه خصوصی، تدوین استراتژی با در نظر گرفتن همه جوانب و شرایط و عملی کردن آن، نقش بزرگی در رشد و توسعه این صنعت می تواند داشته باشد.

۳- ابتکار و نوآوری از رموز موفقیت این صنعت به شمار می رود. صنعت بیمه باید بتواند زمینه های فعالیت را در تمام بخش های اقتصادی برای خود فراهم کند و این مستلزم خلاقیت، نوآوری و پویا بودن آن است. خلاقیت و نوآوری زاییده فضای رقابت آزاد و بدون دخالت دولت است. فضای دولتی عنصر خلاقیت و نوآوری را می خشکاند، لذا پیش شرط ابداع روشهای نو در این صنعت، دوری گزیدن از چارچوب اقتصاد دولتی است. صنعت بیمه در کشور ما به دلیل دولتی بودن، به دنبال نوآوری و ابتکار نرفته و آسانترین راهها را برای در جا زدن انتخاب کرده است و فعالیت های خود را در دو سه شاخه خلاصه کرده است.

وقتی که ۴/۸ درصد از بیمه نامه های صادر شده، توسط شرکت های بیمه ای کشور، در شش ماه اول امسال، در شاخه شخص ثالث می باشد، مطمئناً ۵۸ درصد ما بقی نیز پوشش های تکلیفی و دولتی است که شرکتهای به الاجبار وارد آن شده اند.

امروزه صنعت بیمه در دنیا، در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی وارد شده و در تمامی حوزه ها ایفای نقش می کند. بسیاری از خدمات در کشورهای دنیا، سالهای سال است که توسط شرکتهای بیمه، ارائه می شود و حوزه جغرافیایی فعالیتشان از مرزهای سیاسی شان گذشته است، اما در ایران شرکت های بیمه یا هنوز وارد آن فعالیت نشده اند و یا تازه می خواهند وارد آن حوزه ها شوند.

۴- دولت برای فرار از زیر بار مسولیت خود در حوزه رفاه اجتماعی، شرکتهای بیمه را، در حیطه فعالیت های درمانی و تامین اجتماعی محدود می کند و ورود شرکت های بیمه به این حوزه را، ملاک موفقیت صنعت بیمه می داند.

البته این رفتار، از دو عامل ناشی می شود؛ اول، بدلیل برداشتن بار مسولیت از دوش خود و گذاشتن آن بر دوش استخوانی و شکننده صنعت بیمه، و رسیدن به اهداف عامه پسندانه و بدست آوردن رضایت آنی مردم و دوم، ناآگاهی و بی اطلاعی و عدم شناخت مسولان از وظایف بیمه.

دانش جعفری وزیر امور اقتصادی و دارایی که ساکناندار اقتصاد کشور است و